

نوع مقاله: پژوهشی

پیشینه شکل‌گیری محلات اولیه شهر اصفهان در دوره تاریخی و تحولات آن در قرون اولیه اسلامی (مطالعه موردی محله جوباره)

شهبازنوری فشارکی^۱، محسن جاوری^{۲*}، محمدمرتضایی^۳

چکیده

اصفهان از مهم‌ترین شهرهای فلات مرکزی ایران است که علیرغم فراز و نشیب‌ها و ناملایمات‌های سیاسی، از دوران باستان تا کنون اعتبار خود را حفظ کرده و در برخی از دوره‌ها نیز به‌عنوان مرکزیت سیاسی ایران نقش ویژه‌ای از خود به جا گذاشته است. موقعیت مکانی، مرکزیت سیاسی و اقتصادی این شهر در طول تاریخ زمینه‌ساز گسترش شهر و به‌وجود آمدن محله‌های مختلف از طبقات گوناگون شده است. شهر جی از دوره ساسانی تا قرن چهارم هجری مرکز خوره اصفهان و از مهم‌ترین شهرهای ایران ساسانی و سرزمین‌های خلافت اسلامی به‌شمار می‌رفت. در قرن چهارم هجری با حضور آل‌بویه در اصفهان و تصمیم آن‌ها برای انتقال مرکز قدرت از جی به یهودیه و در پی آن احداث دروازه‌ها و سپس دیوار شهر یهودیه از اهمیت جی کاسته و در عوض شهر یهودیه تبدیل به مرکز خوره اصفهان و یکی از مهم‌ترین شهرهای سرزمین‌های خلافت اسلامی و از مراکز اصلی ایالت جبال گردید. این مقاله به‌دنبال پاسخ به پرسش‌هایی شامل: چگونگی تأثیر محله جوباره در شکل‌گیری و رشد و گسترش محلات شهر اصفهان در قرون اولیه اسلامی؛ و چگونگی نقش یهودیان در شکل‌گیری محله جوباره اصفهان. این پژوهش از نوع توصیفی و تاریخی-تحلیلی است که در دو قالب کلی پژوهش‌های کتابخانه‌ای و پژوهش‌های میدانی اعم از بررسی بافت شهری موجود و تطبیق و مقایسه با شواهد و اسناد تاریخی به انجام رسیده است. با توجه به استدلال‌های ارائه‌شده در مقاله می‌توان نتیجه گرفت که با رونق روزافزون جوباره این محله اهمیتی خاص یافت و با گذشت زمان از محله جی به عنوان یکی از هسته‌های اولیه شهر اصفهان در دوره تاریخی، آبادتر و بزرگ‌تر شد و بدین‌ترتیب با یک جابجایی تختگاه اصفهان از جی به یهودیه (جوباره) انتقال یافت.

واژگان کلیدی: اصفهان، جی، دوران اسلامی، یهودیه، جوباره.

ارجاع: نوری فشارکی، شهباز؛ جاوری، محسن؛ مرتضایی، محمد. ۱۴۰۱. پیشینه شکل‌گیری محلات اولیه شهر اصفهان در دوره تاریخی و تحولات آن در قرون اولیه اسلامی (مطالعه موردی محله جوباره). نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۷ (۲): ۱۴۸-۱۶۲.

۱- دانشجوی دوره دکتری باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه کاشان، ایران.

* نویسنده مسئول: Mohsen.javeri@gmail.com

۳- دانشیار گروه باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری کل کشور، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

مقدمه

محله به‌عنوان بخشی خودکفا در شهرها واحد هویتی مستقل و به‌صورت واحدی اداری، اجتماعی، دینی، فرهنگی و اقتصادی جزء اصلی تشکیل دهنده شکل شهر محسوب می‌شد. مطالعه بافت‌های تاریخی شهر تمهیدی است در جهت حفظ هویت اصیل محله‌های تاریخی که زمینه‌هایی چون سیمای و منظر شهری و الگوهایی جهت مطالعه و شناخت بافت‌های تاریخی را به‌دست می‌دهد.

دلیل اصلی انتخاب محله‌ی جوباره اصفهان در این تحقیق، نقش تاریخی است که این محله در اصفهان به‌عنوان یکی از مراکز مهم جمعیتی و تاثیرگذار بر بافت‌های تاریخی پیرامون داشته است. جوباره مهمترین هسته اولیه شهر اصفهان است که منشاء آن به حکومت هخامنشی و مهاجرت یهودیان بابل به دستور کورش بر می‌گردد. نقطه‌ای که یهودیان در آن ساکن شدند تا قرن پنجم هجری به یهودیه یا دارالیهود معروف بوده است (شفقی، ۱۳۸۱: ۳۴۵). اما بعدها تغییر نام داد و به جوباره معروف گشت (همان: ۳۴۵). احتمالاً وجه تسمیه آن به جاری شدن جویی در آنجا مربوط می‌دانند.

هسته‌های اولیه شهر اصفهان در سکونت‌گاه کوچک به‌نام‌های جی و یهودیه بوده‌اند که به فاصله ۳/۲ کیلومتر از یکدیگر قرار داشته‌اند. یهودیه یک مجموعه مستقل یهودی‌نشین بوده و شکل‌گیری آن در دوران ساخت بر اساس عامل مذهبی بوده است که توانسته زندگی مسالمت‌آمیز را در کنار هم‌کیشان دینی خویش برای ساکنان فراهم آورد.

جوباره در دوره‌های بعد از اسلام به یکی از محله‌های شهر اصفهان بدل شد (جاوری، ۱۳۸۷: ۳۵)؛ و در دوران سلجوقی مرکزیتی برای شهر پیدا کرد که وجود آثار تاریخی کهن همچون توسعه مسجد جامع و بخش حکومتی سلجوقیان روشن‌گر این موضوع است. صفویان و قاجاریان با بی‌اعتنایی به این محله آن را به‌دست فراموشی سپردند و در دوره پهلوی با کشیدن چند خیابان عمودی و افقی در این قسمت از بافت قدیم آن را به چند قسمت تقسیم نمودند و به این ترتیب باعث از رونق افتادن این محله شدند و به تدریج موجبات متروکه شدن آن فراهم گردید (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۰).

با مهاجرت ساکنان یهودی و خانواده‌های قدیمی‌تر این محله، ساکنان فعلی آن بیشتر مهاجرانی هستند که به‌دنبال تامین مسکن ارزان‌تر در این محله ساکن شده‌اند. اگر چه مطالعات متعدد درباره فرهنگ و تاریخ و شهرسازی ایران صورت گرفته لیکن به‌ندرت تحقیقی درمورد محله‌های ایران به‌ویژه شهر اصفهان و ساختار و نحوه شکل‌گیری آنها انجام شده است.

پیشینه پژوهش

جوباره (یهودیه) یک سکونتگاه یهودی‌نشین بوده که در مورد منشاء آن روایت‌های مختلفی وجود دارد. آنچه مسلم است یهودیان در اوایل دوره تاریخی و عبارت دیگر مدت‌ها پیش از شکل‌گیری جی به منطقه‌ی اصفهان مهاجرت کرده و یهودیه را بنیاد نهاده بودند. ویژگی‌های یهودیه در دوران اولیه برپایی عبارت بوده اند از:

۱- شکل‌گیری آن بر اساس عوامل مذهبی؛

۲- متشکل بودن از چند روستا چون خورجان، سنبلان، کما آن، اشکهان، یوان و خوشینان؛

یکی از معضلات در زمینه پیشینه و تاریخ شهر اصفهان بطور اعم کمبود اطلاعات و داده‌های باستان‌شناسی به دلیل عدم انجام کاوشهای فراگیر در بافت تاریخی این شهر، با هدف روشن کردن نقاط تاریک موجود در این زمینه و بطور اخص پردازش به محدوده‌ها و محله‌های معینی از این بافت است؛ از جمله می‌توان به محله جوباره (یهودیه) اصفهان اشاره کرد که تا کنون پژوهش‌های کم‌شماری به آن اختصاص یافته است. در این زمینه مقاله‌ای با عنوان «مکان‌یابی شهرهای جی و یهودیه در رستاق جی اصفهان» نوشته علی شجاعی اصفهانی (۱۳۹۳) در دست است که در آن نویسنده به موقعیت جغرافیایی دو شهر جی و یهودیه در دوران اسلامی و فراز و نشیب‌های آنها در طی این دوران پرداخته است؛ هم‌چنین محسن جاوری در مقاله اش با عنوان «گاهنگاری بافت کهن شهر تاریخی اصفهان به استناد کاوش محدوده میدان عتیق» (۱۳۸۵) بافت تاریخی اصفهان را مبنای کاوش خود و مورد گاهنگاری قرار می‌دهد و مریم قاسمی در مقاله «هسته‌ی اولیه و روند شکل‌گیری شهر اصفهان در طول تاریخ» (۱۳۸۴) بر روی تحولات تاریخی و شهرسازی شهر اصفهان در دوران بعد از اسلام تمرکز نموده است. مورخین و پژوهشگران دیگر از جمله: سیروس شفقی در کتاب «جغرافیای تاریخی اصفهان» (۱۳۵۳) و علی رضا جعفری زند

«اصفهان پیش از اسلام» (۱۳۸۱) و زهرا ثروتی «کشف موقعیت دقیق علمی و جغرافیایی نطفه تاریخی شهر اصفهان» (۱۳۹۲) بطور اجمالی ذیل پژوهش‌های خود نگاهی گذار به بافت تاریخی شهر اصفهان هم داشته‌اند. در این پژوهش بر آنیم با مطالعه و بررسی مدارک تاریخی و گزارش‌های موجود باستانشناسی ساختار محله جوباره را مورد مطالعه قرارداده تا در نهایت به یک الگوی ساختاری کلی از محله جوباره در طی دوران قبل از اسلام تا دوره صفوی دست یابیم؛ با این دیدگاه که جوباره به عنوان مهمترین هسته اولیه شهر اصفهان دارای نقشی تاریخی است که این محله اصفهان را به یکی از مراکز مهم جمعیتی و تاثیر گذار بر بافت‌های تاریخی پیرامون خود در شهر اصفهان بدل نموده است.

پرسش‌های تحقیق

این پژوهش به دنبال پاسخ به سوالات زیر است:

۱. تاثیر محله جوباره در شکل‌گیری و رشد و گسترش محلات شهر اصفهان در قرون اولیه اسلامی چه بوده است؟
۲. یهودیان در شکل‌گیری محله جوباره اصفهان چه نقشی داشته‌اند؟

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش به طور کلی مبتنی بر روش‌های پژوهش در باستان‌شناسی و به طور خاص روش بررسی و شناسایی آثار تاریخی فرهنگی به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد که در دو قالب کلی پژوهش‌های کتابخانه‌ای و پژوهش‌های میدانی کاملاً تقسیم‌بندی و قابل انجام می‌باشد. منابع در مرحله مطالعات کتابخانه‌ای شامل متون تاریخی و تمامی کتب و مقالات تخصصی منتشر شده و در مرحله پژوهش‌های میدانی تقریباً تمامی محدوده تحت مطالعه و بافت تاریخی مورد پیمایش قرار گرفت، سپس از منابع مستند و مرسوم موجود اعم از طرح‌ها و نقشه‌ها و نقشه‌های شهری و عکس‌ها و تصاویر معتبر برای تکمیل این پژوهش بهره‌برداری شد.

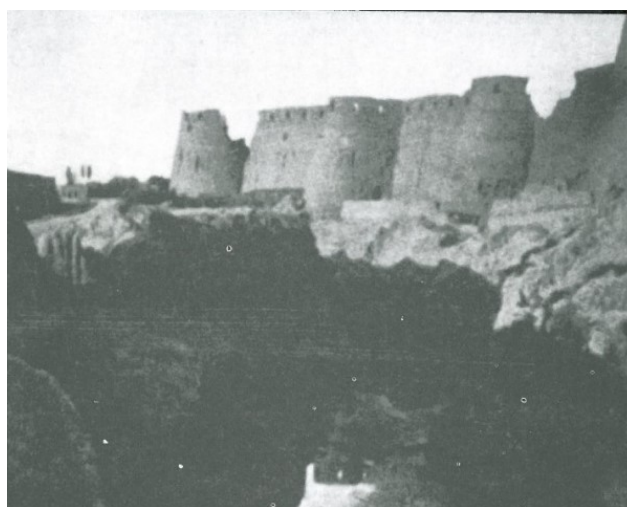
مکان‌یابی یهودیه در رستاق جی اصفهان

شهر جی در دوره ساسانی تا قرن چهارم هجری مرکز خوره اصفهان بود و سپس با یک جابجایی، یهودیه (شکل ۱) جایگزین آن به عنوان مرکز رشد و گسترش شهر جدید شد (شفقی، ۱۳۸۱: ۲۱۹). شهر جی نیز به شیوه شهرسازی رایج ساسانی به شکل مدور و بر مبنای محاسبات دقیق نجومی با بارو و چهار دروازه ساخته شده بوده و در دوران اسلامی و تا قرن چهارم هجری توسعه قابل‌توجهی در ربض را به خود دید (همان). با جابجایی مرکز اصفهان از جی به یهودیه در میانه قرن چهارم هجری توسعه فزاینده‌ای در یهودیه حادث شد (همان: ۲۲۰).

توسعه در این محور جدید شهری ارتباط مستقیمی با حضور فرمانروایان نظامی آل‌بویه و آل‌کاکویه در اصفهان داشته است. این دو خاندان، به واسطه حفظ قدرت و موقعیت خود در برابر نخبگان و بزرگان اصفهان که در شهر جی ساکن بودند. شهر یهودیه و به‌طور خاص گوشه جنوب غربی آن را که با نام قلعه طبرک شناخته می‌شود برای سکونت انتخاب و دیوار شهر یهودیه را ایجاد کردند که تا چند دهه پیش بخش‌هایی از آن باقی بود و امروز تنها در برخی جاها می‌توان خندق آن را دید (شجاعی، ۱۳۹۳: ۵۸). (شکل ۲)

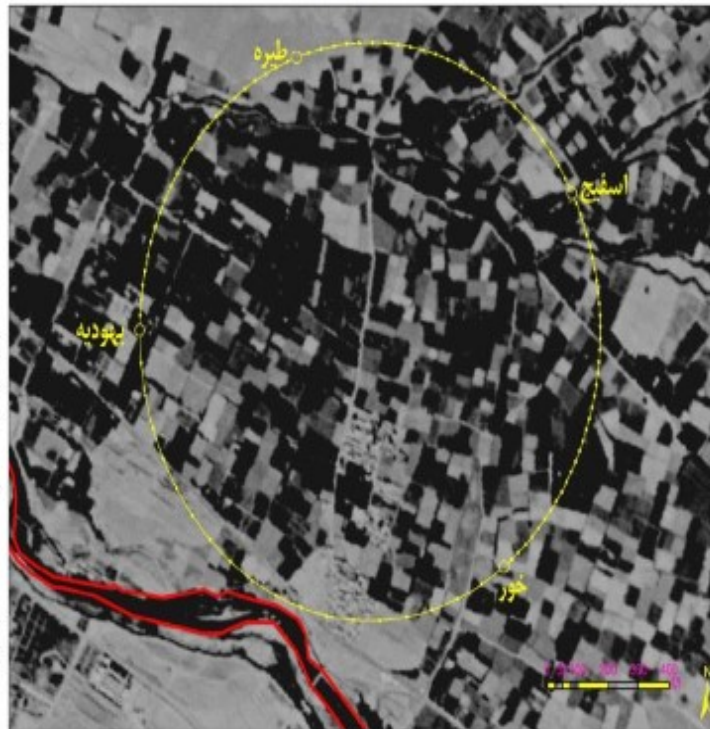


شکل ۱. موقعیت جی و یهودیه در نقشه اصفهان، (نگارنده ۱۳۹۷)



شکل ۱. باروی قلعه طبرک در نیم قرن قبل، (شفقی، ۱۳۸۱: ۶۴۱)

در حال حاضر موقعیت و وسعت دقیق دو شهر جی و یهودیه برای ما به‌خوبی آشکار نیست. از رونق افتادن شهر جی و تخریب تدریجی آن و همچنین گسترش ساخت‌وساز در داخل و خارج شهر یهودیه در دوره صفویه و تخریبات بعد از آن تا به امروز باعث گردیده تا شواهد باستان‌شناختی اندکی از آثار دیوار که در مکان‌یابی شهر بیشترین کمک را می‌کنند، قابل شناسایی و بررسی باشد. اندک مطالعاتی که درباره پیدا کردن محل این دو شهر شده به‌طور خاص مربوط به شهر یهودیه است و آن هم در قالب بررسی وضعیت شهر صفوی صورت گرفته و در آن‌ها اشاراتی هم به محل دیوار شهر در قبل از دوره صفوی شده است. در مطالعات مربوط به قبل از دوره صفویه، به‌طور خاص خانم لیزا گلمبک دیوار شهر جی و دروازه‌های آن را به‌صورت شماتیک ترسیم کرده و شهر یهودیه را عمدتاً با استفاده از نقشه پاسکال کوست روی نقشه امروز اصفهان نشان داده است (شفقی، ۱۳۸۱: ۲۸۵) (نقشه ۱).



نقشه ۳. مکان‌یابی شهر جی و تطبیق دروازه‌ها براساس موقعیت نجومی دروازه اسفیس، (نگارندگان ۱۴۰۰)

توسعه شهر جی و یهودیه

شهر جی به‌عنوان شهر اول اصفهان در زمان ساسانی (حافظ ابونعیم، ۱۳۹۳: ۲۸-۲۷) تا قرن ۴ هجری و پس از آن شهر یهودیه هر دو در رستاق جی قرار داشته‌اند پس از صلح اصفهان در نبرد با مسلمانان در میان سال‌های ۱۹ تا ۲۴ هجری، نخستین مسجد در داخل شهر جی احداث و جمعیت ساکن در دیگر شهرها و نقاط تخریب‌شده اطراف در آن مستقر شدند. یاقوت حموی و پس از او ابوالفدا به‌صراحت گفته‌اند که شهر جی را ساکنان بومی آن به نام شهرستان و اعراب مدینه می‌خوانند به این ترتیب، مراد از هر سه واژه جی، شهرستان و مدینه یک محل مشخص است (یاقوت، ۱۹۶۵: ۱۸۱ و ۵). با بررسی رخدادها تاریخی که در آن‌ها به شهر جی در بعد از ورود اسلام و تا قبل از روی کار آمدن آل‌بویه یا ابتدای کار آن‌ها اشاره شده این موضوع به‌وضوح مشخص می‌شود که شهر بدون تخریب دیوار و جابه‌جایی از دوره ساسانی تا روی کار آمدن آل‌بویه به حیات خود ادامه داده است و تا زمان اهمیت یافتن شهر یهودیه در میانه قرن چهارم هجری، با توسعه‌ای که خارج از دیوار خود داشته همانند دوران قبل از اسلام برتری خود را حفظ کرده است.

با روی کار آمدن خلافت عباسی و افزایش جمعیت شهرنشین در اصفهان علاوه بر توسعه در رض جی، در شهر یهودیه نیز در سال یکصدوپنجاه و دو هجری هم‌زمان با حاکمیت ایوب ابن‌زیاد عامل خلیفه منصور عباسی در محلی به نام کوی جهودان احداث گردید (حافظ ابونعیم، ۱۳۹۳: ۱۶). به این ترتیب، در میانه قرن دوم هجری شهر اصفهان دارای دو مرکز شهری شد، اما هم‌چنان شهر جی به‌عنوان شهر اول اصفهان اهمیت خود را حفظ کرد، چنانکه با بررسی متون جغرافیایی قبل از قرن چهارم، یعقوبی (تالیف حدود ۲۷۹ ه. ق) یهودیه را به‌عنوان شهر دوم اصفهان بعد از جی آورده (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۱۷۵) و ابن‌خردادبه نیز سفر خود به ری را از محله یهودیه شروع کرده است (ابن‌خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۲).

تا زمان استقرار آل‌بویه در یهودیه و ایجاد برج و باروی آن، علاوه بر محدوده شهر، رض جی نیز اهمیت خود را حفظ کرده بوده به صورتی که ساختمان‌ها و محله‌های زیادی در آن قابل‌شناسایی هستند (شجاعی، ۱۳۹۳: ۹۷-۹۶). اما درباره این موضوع که رض جی تا کجا ادامه پیدا کرده به درستی نمی‌توان نظر قطعی داد. تنها بعد از رونق گرفتن یهودیه فاصله میان یهودیه تا شهر قدیم اصفهان حدود سه کیلومتر نوشته شده است (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۳۶۲). یاقوت در قرن هفتم هجری ضمن اشاره به

ساختمان‌های تخریب‌شده میان جی و یهودیه، ویرانه‌های میان این دو شهر را حدود دوکیلومتر نوشته است (یاقوت، ۱۹۶۵: ۱۸۱ و ۵).

از زمان استقرار آل‌بویه در یهودیه (میانۀ قرن چهارم) توصیفات این جایگاه جدید شهری در نوشته‌ها وارد شده و بیانگر مرکزیت یافتن این بخش است و در عوض از اهمیت جی کاسته شده است. اصطخری در مسالک‌الممالک (تالیف ۳۱۸ تا ۳۲۱ ه. ق) (شفقی، ۱۳۸۱: ۲۵۷) و ابن‌حوقل در صورہ‌الارض (تالیف بعد از ۳۶۷ ه. ق) اصفهان را دارای دو شهر دانسته‌اند، شهر اول را یهودیه و بزرگتر از شهر دوم یعنی شهرستان، نوشته‌اند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۳۶۲). پس از آن مقدسی در ۳۷۵ ه. ق تنها یهودیه را به‌عنوان قصبه اصفهان آورده و شهرستان را در کنار هشت شهر دیگر اصفهان با توصیفی بسیار مختصرتر از یهودیه شرح داده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۸ و ۵۱ و ۳۸۹-۳۸۸). ناصرخسرو در سفرنامه با وجودی که مدت زیادی در اصفهان بوده و از اصفهان به‌طرف شرق یعنی ناین رفته، هیچ اشاره‌ای به جی، که به‌طور حتم از آن عبور کرده است، ندارد (ناصر خسرو، ۲۵۸). همان‌طور که دیده می‌شود روند این نوشته‌ها نشان از اهمیت پیدا کردن شهر یهودیه و در مقابل کم‌اهمیت شدن جی و تخریب آن دارد، تا این که در دوران صفوی شاردن شهرستان را از دیه‌های بزرگ اصفهان و از نواحی بیرون پایتخت در کنار رودخانه با ویرانه‌های زیاد نوشته است. (شاردن، ۱۳۷۲: ۲۱۲) شهر یهودیه اگرچه در میانۀ قرن دوم هجری شکل گرفت و از همان ابتدا دارای مسجد و بازار و دارالاماره گردید و با افزوده‌شدن پانزده روستا توسعه قابل‌توجهی یافت (ابونعیم، ۱۳۹۳: ۱۶). تنها بعد از مستقرشدن دیلمیان به مرکز سیاسی و شهر اول اصفهان تبدیل شد. به این ترتیب، تغییر در مرکزیت اصفهان ارتباط مستقیمی با ورود امرای آل‌بویه و به قدرت رسیدن آن‌ها در اصفهان دارد.

امرای آل‌بویه و آل‌کاکویه، برخلاف آل‌زیار که در جی سکونت کردند، از همان ابتدا تصمیم به اقامت در شهر یهودیه گرفتند و دروازه‌ها و دیوار شهر را احداث کردند. یکی از دلایلی که به نظر می‌رسد در این انتخاب نقش داشته حضور پررنگ بزرگان و نخبگان اصفهان در جی بوده است، چرا که شهرستان و مسجد جامع آن در اختیار بزرگان و اشراف اصفهان بوده و خلفا نمی‌توانسته‌اند برخلاف جامع یهودیه اراده خود را به‌طور کامل بر آنان تحمیل کنند. به‌همین دلیل برای جامع یهودیه اهمیت بیشتری قائل بودند و حتی در دورانی که جی شهر اول اصفهان بود و مسجد آن قدمت و اصالت بیشتری از مسجد یهودیه داشت، هزینه اختصاص داده شده به هر دو مسجد یکسان بوده است (حافظ ابونعیم، ۱۳۹۳: ۱۸).

به این ترتیب، امرای آل‌بویه با حمایت کامل خلیفه در یهودیه که خلافت نفوذ بیشتری در آن داشت مستقر شدند. علاوه بر این، انتخاب یکی از بخش‌های حاشیه‌ای شهر به‌عنوان مقر حکومت آل‌بویه (قلعه طبرک) و قرار گرفتن آن در خارج دیوار دور شهر نیز ممکن است بازگوکننده جایگاه آنان در میان مردم باشد. از این تاریخ به بعد به‌تدریج نام یهودیه به‌عنوان شهر اول در نوشته‌های جغرافیایی وارد می‌شود.

مکان‌یابی دیوار یهودیه

قدیمی‌ترین نشانه از دروازه‌های یهودیه مربوط به کتاب احسن التقاسیم تالیف ۳۷۵ ه. ق است که در آن به‌طور مختصر بدون صحبت از دیوار، برای شهر «دوازده درب» نام برده شده است (مقدسی، ۱۹۰۶: ۳۸۹). مقدسی در توصیفاتی که از شهرها، به‌ویژه شهرهای معروف داشته عمدتاً به دیوار شهر و قلاع داخل شهر (ارگ یا کهندژ) و دروازه‌های آن‌ها توجه داشته به شکلی که در کتاب خود برای ورودی‌های شهر از واژه «درب» و برای ورودی‌های کهندژ یا ارگ شهر از واژه «باب» استفاده کرده است. به‌همین دلیل منظور از دوازده درب یهودیه ورودی و خروجی‌های شهر در زمان مقدسی بوده است، اما اینکه او اشاره‌ای به دیوار شهر نکرده می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که در زمان او محل‌های ورودی و خروج شهر مشخص و مقدمات ساخت دیوار یا فقط بخشی از آن ایجاد شده بوده است. بدین ترتیب می‌توان انتساب ساخت دیوار به رکن‌الدوله حسن بن بویه را شروع اندیشه محصورکردن شهر دانست و نه اتمام دیوار شهر (مستوفی، ۱۳۸۱: ۹۰-۸۹). دیوار شهر یهودیه به‌طور حتم به دست علاءالدوله ابوجعفر کاکویه (حکومت ۳۹۸ - ۴۳۳ ه. ق) به پایان رسیده است. (شکل ۳) چرا که مافروخی در تالیف خود (حدود ۴۸۰ ه. ق) به‌وضوح در دو جا علاءالدوله را سازنده دیوار شهر و خندق آن و «دوازده جفت در آهن پوش» معرفی کرده و جزئیات محل عبور دیوار از محدوده خارج از شهر و همچنین از میان بعضی محله‌های شهر و نگرانی‌های مردم از بابت هزینه‌های ساخت را آورده است (مافروخی، ۱۳۸۵: ۹۱-۴۷). درباره اتمام دیوار ابن‌اثیر در وقایع ۴۱۸ ه. ق از محاصره علاءالدوله و تحصن او در شهر

خبر داده و به این ترتیب می‌توان تاریخ ساخت دیوار را در قبل از سال ۴۱۸ ه. ق دانست که در سال‌های بعد از حمله در ۴۲۹ ه. ق به‌خاطر حمله طغرل سلجوقی، مرمت شده است (ابن اثیر، ۱۳۶۵: ۶۹۸، ۷، ۴۶۵: ۸). پس از تکمیل دیوار، ناصر خسرو در سال ۴۴۴ ه. ق دیوار شهر را بدون اشاره به سازنده آن به‌خوبی توصیف کرده است. به گفته او شهر «دیواری حصین بلند دارد و دروازه‌ها و جنگ‌گاه‌ها ساخته و بر همه دیوار و کنگره ساخته شده» و نقل قولی از مردم اصفهان آورده که ساخت دیوار باعث متغیر شدن هوای شهر شده است (ناصر خسرو، ۱۳۸۷: ۱۶۵ و ۱۶۷). این نشان می‌دهد هنوز کسانی در یهودیه زندگی می‌کرده‌اند که شهر قبل از دیوار را دیده بوده‌اند و آن را با شهر محصور مقایسه کرده‌اند و این ساخت دیوار به‌دست علاءالدوله را تایید می‌کند.



شکل ۲. حصار دیالمه در محل تل عاشقان روبروی باغ سنبلستان، (شفقی، ۱۳۸۱: ۶۴۲)

دیوار یهودیه تا زمان صفویه کارکرد خود را که محافظت از شهر و تعیین محدوده آن بود ایفا کرده، به‌طوری که در نوشته‌های تاریخی می‌توان شواهد زیادی از حوادث مربوط به محاصره شهر؛ تخریب یا بازسازی دیوار و دروازه‌ها به‌دست آورد (ابن اثیر، ۱۳۶۵: ۴۶۵، ۸۴، ۸). در دوره صفویه گسترش گسترده شهر در خارج از دیوار شهر و بی‌توجهی به آن باعث شده تا بخش‌هایی از دیوار تخریب شود. این موضوع در سمت جنوب غرب شهر که ساخت‌وساز حرم و باغ شاهی صورت گرفت بیش از دیگر قسمت‌ها ملموس بود. سیاحان دوره صفوی ضمن اشاره به بی‌اهمیت بودن دروازه‌ها و دیوار شهر به بخش‌های تخریب‌شده‌ای از دیوار اشاره کرده‌اند که مردم از آن‌ها برای رفت‌وآمد استفاده می‌کرده‌اند (شاردن، ۱۳۷۲: ۱۳۹۸ و ۱۳۹۴ و تاورنیه: ۱۳۶۹: ۳۷۹). این قسمت‌ها در دوره‌های بعد هم‌چنان کارکرد جدید خود را به‌عنوان دروازه حفظ کرده و این باعث شده تا تعداد دروازه‌ها بیش از دوازده و بین سیزده تا بیست‌وشش عدد متغیر شود (مهریار، ۱۳۷۸: ۱۸۱-۱۷۹). اگرچه در حال حاضر هیچ نشانه‌ای از دیوار شهر باقی نمانده، در نوشته‌های مربوط به دوره قاجار بخش‌هایی از آثار دیوار در قسمت شمال و شمال غربی شهر ثبت شده بود (جابری انصاری، ۱۳۷۸: ۱۵ و ۱۲۴ و ۱۴۳؛ هنرفر، ۱۳۴۴: ۳۴ و شفقی، ۱۳۸۱: ۲۶۷ و ۲۶۹ و ۳۳۱).

پیدایش محله جوباره

ساکنین اصفهان این محله را با دو اسم، جویباره و جوباره بیان می‌کنند، وجه‌تسمیه جوباره با جاری شدن نهر آب در ارتباط بوده و احتمالاً جوی آبی وجود داشته است که از بارو و حصار شهر می‌گذشت. جویباره بر اثر کثرت استعمال و مرور زمان به جوباره تبدیل گردیده است (میرزا حسن خان انصاری، ۱۳۷۸: ۱۲). در چند سال اخیر اصطلاحات غلطی برای جویباره به‌کاربرده‌اند که جهان‌باره، جهودباره، و جوان‌باره از آن جمله هستند. محله جوباره اصفهان به‌همراه محله جی نقش اساسی در شکل‌گیری اصفهان در قرون اولیه داشته است (شفقی، ۱۳۸۱: ۲۳۳). محل تقریبی محله جوباره در حوالی میدان کهنه و محله جی در مجاورت تپه‌های جی و تپه اشرف واقع در سه کیلومتری شرق میدان کهنه بوده است. (شکل ۱)

این محله در حقیقت اصلی‌ترین هسته اولیه شهر اصفهان است و منشا آن حداقل به عصر ساسانی می‌رسد (هنرفر، ۱۳۴۴: ۱۷). این محله گرچه در نخستین قرون تکوین خود یهودی‌نشین بوده اما در طول تاریخ همیشه تحت فشار جامعه پیرامون خود، مجبور به پذیرش عناصر فرهنگی دیگر جوامع شد. نتیجه این که جویباره نتوانست از بافت اجتماعی - اقتصادی و کالبدی همگنی برخوردار باشد، به‌طوری که قرن‌ها به‌عنوان محله شیعه‌نشین اصفهان معروف شده است (شفقی، ۱۳۸۱: ۳). این محله از جنوب به خیابان ولی عصر و از غرب به خیابان هاتف محدود می‌شود. در گوشه جنوب غربی آن میدان کهنه قرار دارد و خیابان کمال از وسط این محله عبور می‌کند (نگارندگان، ۱۴۰۰) (نقشه ۴).

این نکته گفتنی است که محله جویباره فعلی خود از ۹ محله کوچک‌تر به نام‌های: میدان میر، لت فریالتور، دارالبطیخ، سید احمدیان، درب دریچه، گود مقصود، سلطان سنجر، پاشاخ و یازده پیچ تشکیل گردیده است (هنرفر، ۱۳۴۴: ۲۵).



نقشه ۴. محور تاریخی محله جویباره، (نگارندگان، ۱۴۰۰)

تاریخچه ورود قوم یهود به اصفهان

طی سال‌های ۷۴۱-۷۲۰ ق. م جنگ‌های پیگیری بین دولت آشور و قوم یهود در گرفت تا اینکه جنگ به نفع دولت آشور خاتمه یافت و در نتیجه عده بی‌شماری از یهودیان به اسارت آشوری‌ها درآمدند و اسرای مزبور را به ایران آوردند (اولین ورود قوم یهود به ایران) و اغلب در شمال غربی ایران به زندگی پرداختند، (لوی، ۱۳۳۹: ۱۷۸) البته ورود یهودیان اصفهان را نباید به این دوره نسبت داد، چه به احتمال بسیار قوی، دو قرن بعد از این تاریخ عده‌ای از یهودیان به مناطق مرکزی و جنوبی ایران مهاجرت کردند که ما در اینجا به ذکر اجمالی آن می‌پردازیم:

زمانی که بخت‌النصر به استقلال قوم یهود خاتمه داد و عده‌ای از آنان را از اورشلیم به سرزمین بابل برد، در بین اسرای یهودی، مردان فاضل و دانشمندی وجود داشتند که بعدها توجه کورش و سلاطین بعد از وی را به خود جلب نمود. خصوصاً بعد از فتح بابل به‌دست کورش در سال ۵۳۸ ق. م به اسارت یهودیان پایان داده شد و گروهی از آنان به ایران کوچانیده شدند. می‌توان تاریخ مزبور را سال آزادی قوم یهود دانست (گیرشمن، ۱۳۶۴: ۱۵۵).

کورش برای مراجعت قوم یهود به وطن خود آنها را تشویق نمود. در این موقع عده‌ای از یهودیان به وطن خویش بازگشتند و عده دیگر در بابل به کارهای تجاری پرداخته و ثروت کافی به‌هم زدند و اقامت در آن سرزمین را بر مراجعت به وطن خویش

ترجیح دادند. بین سال‌های ۵۲۴-۵۳۵ ق. م مهاجرت‌های بزرگی از جنوب بابل به شوش و اهواز و پاسارگاد و اکباتان صورت گرفت و چون پادشاهان ایران پیوسته از قوم یهود حمایت می‌کردند لذا این قوم اغلب در نزدیکی‌های مقر حکومت شاهان ایران زندگی می‌کردند و به‌همین جهت استان فارس به‌خصوص حوالی تخت جمشید و هم‌چنین شهر همدان که هر دو در زمان قدیم پایتخت ایران بودند همواره از پرجمعیت‌ترین مراکز یهودی‌نشین این سرزمین بوده است و یهودیان اصفهان هم احتمالاً از همان یهودیان بابل هستند که در مسیر خویش از بابل به فارس در این نقطه رحل اقامت افکنده بودند، جی یکی از مراکز مهم حکومت ایران قبل از اسلام بوده است (لوی، ۱۳۳۹: ۲۵۲).

مورخین و جغرافی‌دانان قدیم عقاید مختلفی درمورد آمدن یهودیان به منطقه اصفهان بیان داشته‌اند که ما فقط به ذکر نمونه‌هایی از آنها اکتفا می‌کنیم. هرتسفلد می‌نویسد: «کلنی‌های یهودیان همدان و اصفهان برخلاف آنچه تصور شده به عصر آشوری‌ها و بابلی‌ها برنمی‌گردند. ورود آنها به این مناطق به اوایل قرن چهارم میلادی که مقارن با سلطنت یزدگرد اول ساسانی (۴۲۱-۳۹۹ م) است، نسبت می‌دهند» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۷۸).

ابن حوقل می‌نویسد: «گفته‌اند که در روزگاران قدیم تا زمان بخت‌النصر و آمدن یهود از شام به این سرزمین، اصل اصفهان همین‌جا بوده است که یهودیان به‌هنگام فرار از سرزمین خودشان مقداری از آب و خاک شهر خود را همراه داشتند تا بدین‌وسیله جایی را که شبیه ناحیه و خاک خودشان باشد برای سکونت انتخاب کنند و در محلی که امروز به یهودیه معروف است، فرود آمدند و جایی را موسوم به اشکهان برگزیدند» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۳۲).

اشکهان واژه یهودی است که معنای لغوی آن عبارت است از «در اینجا می‌نشینیم» و این محل در آن روزگار زمین بایر بوده در آنجا خانه‌هایی ساختند و به آبادی آن کوشیدند و به کشاورزی و کاشتن درختان پرداختند (همان: ۱۱۰). در نواحی صایک شهری بود که مردم آنجا چراگاه‌های همین محل را در تصرف داشتند و آمدن یهودیان را به همسایگی خود تحمل نکردند و بعضی از زمین‌ها را از دست ایشان گرفتند و به‌همین سبب میان ایشان جنگ درگرفت و مدت‌ها با یکدیگر به کشمکش پرداختند تا سرانجام یهودیان چیره شدند و بدین‌ترتیب یهودیه گسترش یافت (همان: ۱۱۰). نقطه‌ای که یهودیان در آن ساکن شدند به نام یهودیه یا دارالیهود معروف شد، زیرا به‌وجود آورنده این روستای کوچک یهودیان مهاجر بوده‌اند. البته روستاهای دیگری که در همسایگی یهودیه قرار داشت اغلب پیروان دین زرتشت و سایر ادیان بودند که توسعه آنها اصفهان را بوجود آورد. در جایی دیگر مورخین بنای شهر اصفهان را به ملکه شوش‌دخت، زن یهودی یزدگرد اول نسبت می‌دهند که در ایجاد سکونت‌گاه کلیمی‌نشین یعنی یهودیه در نزدیکی جی نقش اساسی داشته است (جناب، ۱۳۷۱: ۲۵۱).

نام یهودیه یا دارالیهود تا قرن پنجم هجری نامیده می‌شد (همان: ۲۶۶) ولی بعد از این تاریخ به نام «اصفهان» تبدیل گردید که از ادغام حدود پانزده روستا به‌وجود آمد (همان: ۲۶۶). روستای یهودیه که یکی از محلات قدیمی اصفهان را به‌وجود آورده بود، بعداً به نام «جوباره» معروف گردید و علت آن به‌واسطه گذشتن جوبی از این محله بوده است. این محله نسبتاً بزرگ و یکی از پرجمعیت‌ترین محلات اصفهان فعلی محسوب می‌گردد که در هر هکتار آن بیش از ۳۰۰ نفر زندگی می‌کنند (هنرفر، ۱۳۴۴: ۸۶).

از محلات یهودی‌نشین اصفهان که با محله جوباره هم‌جوار است، محله دردشت می‌باشد که عده کمی کلیمی در آن زندگی می‌کردند. تبدیل یهودیه به شهر و به‌عبارت دیگر توسعه آن بنا به نوشته حافظ ابونعیم به سال ۱۵۰ ه. ق صورت گرفته است. وی در این‌باره چنین می‌نویسد: «... اما بیشتر موسوم به یهودیه، آن‌را ایوب بن زیاد به سال یکصد و پنجاه هجری در خلافت ابوجعفر منصور تبدیل به شهر نمود... ایوب در کنار نهر فرسان قصری ساخت و درمقابل، مسجدی با فضای بنا نمود که هنوز باقی است و در آن منبری قرار دارد. به‌علاوه در کنار شهر یهودیه بازاری که دارای میدان‌هایی بود برای پیشه‌وران، تجار و کارگران بنا کرد. این بازار در محلی که معروف به میدان کاه‌فروشان است واقع شده بود» (ابونعیم، ۱۳۹۳: ۴۴).

ایجاد مسجد جامع در سال ۱۵۰ ه. ق در کنار یهودیه، معرف شدن این آبادی یهودی‌نشین بوده و از آن به بعد، دوران پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. عده‌ای تاریخ بنای مسجد جامع را در سال ۱۵۶ ه. ق می‌دانند. این مسجد که در جنوب غربی محله جوباره بنا گردیده است همواره ناظر تمامی مراحل اول و وسعت شهر اصفهان بوده است (شفقی، ۱۳۸۱: ۲۵۷).

در قرن چهارم هجری قمری اصفهان فعلی به دو محله به نام‌های جوباره و دردشت تقسیم شده بود و تا اوایل قرن ۱۱ ه. ق یعنی تا انتخاب این شهر به پایتختی از جانب شاه‌عباس اول به همان وضع باقی مانده بود. تا عصر صفویه ساکنین محله جوباره را علاوه بر اندکی یهودیان، شیعیان و ساکنین محله دردشت را پیروان مذهب تسنن تشکیل می‌دادند (شفقی، ۱۳۸۱: ۲۵۹).

سابقه سکونت یهودیان در اصفهان

جایی که اکنون اصفهان نامیده می‌شود از نخستین کانون‌های زندگی قوم یهود در ایران بوده است و تاریخ ورودشان به حدود ۷ قرن پیش از میلاد برمی‌گردد. از عهد بسیار قدیم، یهودیان اصفهان می‌گفته‌اند این شهر را اسرای یهود که «بخت‌النصر» از کشور یهودیه به بابل کوچ داده بود و پس از وی به ایران مهاجرت کرده‌اند، تأسیس کرده‌اند؛ و این مسئله در «دائرةالمعارف یهود» نیز مورد تأکید قرار گرفته است (لوی، ۱۳۳۹: ۱۷۸). نیاکان آنان هنگامی که به ناحیه «جبال» ایران رانده شدند، در مسیر خود، هیچ منطقه‌ای را شبیه‌تر از اصفهان به بیت‌المقدس نیافتند و در این شهر ساکن شدند (همان: ۱۸۲).

وقتی پادشاه بابل، طایفه‌ای از بنی‌اسرائیل را برای ترویج صنعت در مرکز ایران و متفرق ساختن آنها همراه با پادشاه بیت‌المقدس «هویشیع» به اصفهان کوچانید، محلی را که در اصفهان سکونت کردند و به اسم موطن آنها در بیت‌المقدس «جوده» نامیدند و به جوده باره «قلعه‌ی جوده» شهرت یافت (میر سیدعلی جناب، ۱۳۷۱: ۲۵۲).

مقدسی می‌گوید: چون بخت‌النصر (۵۶۲ تا ۵۰۵ ق. م) یهودیان را از بیت‌المقدس کوچ داده، آنها شهری که به سرزمین خودشان همانند باشد غیر از اصفهان نیافتند و در آنجا فرود آمدند و بعضی هم گفته‌اند که شوشاندرخت (سوسن) همسر یزدگرد اول ساسانی (۳۳۹-۴۲۰ م) که خود یهودی مذهب بوده این شهر را برای سکونت یهودیان بنا نهاده است (مهریار، ۱۳۳۰: ۱۳۲). هرگاه قدیمی‌ترین منابع را در امر تکوینی اولین محلات اصفهان مورد مطالعه قرار می‌دهیم به این نتیجه می‌رسیم که هسته قدیمی شهر اصفهان یهودیه بوده است.

دانستیم که پیشینه زندگی یهودیان در اصفهان تا دوره هخامنشیان نیز به عقب بازمی‌گردد و هم‌چنین بنا بر مستندات تاریخی، ورود آنان با فواصل زمانی، گاه طولانی و از مکان‌هایی گوناگون صورت گرفته است. چنان که «هرتسفلد» ورود یهودیان به ایران و به‌ویژه همدان و اصفهان را به اوایل سده چهارم میلادی، مقارن با پادشاهی یزدگرد اول ساسانی (۳۹۹-۴۲۱ م)، نسبت می‌دهد (هنرفر، ۱۳۷۶: ۵۷) و یا «سیلوستر دوساسی» برقراری یهودیان در شهر اصفهان را مربوط به زمانی می‌داند که شاپور ارمنستان را فتح کرد (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۹۶).

این مسئله روشن است که در آن عصر، یهودیان اصفهان محله‌ای مخصوص خود داشته‌اند. شهرک یهود را ساسانیان «جهودانک» (یهودیه) می‌نامیدند که در عین حال کانون فعالیت‌های بازرگانی آنان بود و جماعت یهود و کنیسه‌های آن تابع «راس‌الجالت» بین‌النهرین بودند (انصاری، ۱۳۵۸: ۱۹۸). نام دیگر این محل «کوچه‌هودان» یعنی محله یهود بود. ولی به‌نظر می‌رسد در آن دوره این محله رشد فراوانی داشته است. «حسین‌بن محمدالعلومی»، مورخ اصفهانی سده چهاردهم میلادی در کتاب «احوال اصفهان» پیرامون این موضوع می‌نویسد: شهر «جی» دوره ساسانیان مانند همه شهرهای ساسانی ساخته شده بود و چهار دروازه داشت که یکی از آنها به «دروازه جهودان» معروف بود که در آنجا جماعتی از قوم یهود سکونت گزیده بودند (شفقی، ۱۳۸۱: ۳۰۲).

متأسفانه اسناد قابل‌توجهی از چگونگی اوضاع اجتماعی یهودیان آن عصر در اصفهان در دسترس نیست و تنها می‌توان به یافته‌های پراکنده‌ای اشاره کرد که شاید بتوان با پیوند آنها به دورنمایی از واقعیت پی برد.

قدر مسلم آن است که شاپور دوم یهودیه را گسترش داد و برخی از مورخین معتقدند پیش از سال‌های ۳۶۴ یا ۳۶۵ میلادی گروهی از یهودیان ساکن در ارمنستان توسط این پادشاه ساسانی به اصفهان منتقل شدند (همان: ۲۶۴). در این دوره یهودیان در آسایش می‌زیستند و از امنیتی که حکومت نیرومند ساسانی فراهم کرده بود برخوردار بودند، هرچند سندهایی باقیمانده که به رفتارهای نامنظم و نهادی نشده ولی خشن بر ضد آنان مبتنی است. برای نمونه سرکوب بی‌رحمانه «پیروز» در سال‌های ۴۵۷-۴۵۸ میلادی، یهودیان اصفهان را ناچار به ترک وطن کرد و یا گفته‌اند در زمان خسرو پرویز، جامعه یهودی به قتل دو نفر از مغان متهم شدند و در نتیجه پادشاه دستور کشتن نیمی از یهودیان را صادر کرد (همان: ۲۶۵).

یهودیان اصفهان پس از اسلام

بنابر آنچه در «فتوح البلدان» بلاذری آمده است، «یهودیه» نیز همچون جی در حدود سال ۲۳ ه. ق با انعقاد قرارداد صلح تسلیم اعراب شد. برای یهود اصفهان به جز ابتدای خلافت عمر و یکی دو مورد طی حکومت عباسیان، محدودیت خاصی ایجاد نشد. در آن دوره بین دو محله مسلمان‌نشین «شهرستان» (جی) و یهودی‌نشین «یهودیه» دیوار کشیده شد، تا آن که سه سده پس از آن در زمان رکن‌الدوله دیلمی هر دو محله یکی شدند (انصاری، ۱۳۷۸: ۲۱۲). نکته جالب توجه این است که با گذشت زمان، اندک‌اندک از بزرگی بخش کهن «جی» کاسته گردید و یهودیه بزرگ‌تر شد چنان‌که ابن‌حوقل بغدادی در ۳۶۳ هجری قمری می‌نویسد: «میان دو بخش اصفهان دو مایل فاصله است. این دو بخش متباین هر کدام منبری دارد و یهودیه حدود دو برابر بزرگ‌تر از شهرستان است» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۳۲) و مقدسی با تکرار همین موضوع اشاره می‌کند که «یهودیه نه تنها با همدان همسری می‌کند بلکه بزرگ‌ترین شهر ایالت» جبال است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۸) و «ایوب‌بن زیلا» مساحت آن را هفتصد جریب می‌داند و می‌نویسد: «مردم آن همه یهودی هستند و به کارهای... خود مانند حجامت، دباغی، گازی، قصابی و... مشغول بودند» (مهریار، ۱۳۳۰: ۱۱۴).

این وضعیت ادامه داشت و ظاهراً برای نخستین بار «حافظ ابونعیم» در «ذکر اخبار اصفهان» در سده چهارم هجری به جای یهودیه از «جوباره» نام می‌برد: «کوی جهودان» ساسانیان همان جایی است که امروزه جوباره نام دارد و کانون قسمت یهودی‌نشین اصفهان است (ابونعیم، ۱۳۹۳: ۱۸۱). بخش یهودی‌نشین شهر و تعداد یهودیان به تدریج کمتر می‌شود تا آنجا که «ناصر خسرو قبادیانی بلخی» در ۴۴۴ ه. ق. (۱۰۵۲ م) هنگام دیدار از اصفهان شمار یهودیان آنجا را ۱۵۰۰ نفر می‌نویسد (ناصر خسرو، ۳۱۲).

در عصر سلاجقه، یهودیان اصفهان کم‌وبیش از آزادی بیشتری برخوردار بودند، ولی با پیدایش فرقه اسماعیلیه نهضت جدیدی علیه یهود آغاز گردید. اتفاق دهشت‌بار با هجوم چنگیز و تیمور، و اساساً تجاوز مغولان، رخ داد. می‌گویند پس از حمله تیمور به اصفهان، آنگاه که شهر آرام شد، در روز «روزه بزرگ یهود» در سال ۱۳۸۷ م. وی سوار بر اسب از محله یهودیان می‌گذشت، زمان نماز بوده و یهود «جمله توحید» را با صدای بلند می‌خوانند که موجب وحشت ناگهانی اسب‌ها می‌گردد، تیمور به زمین می‌خورد، پایش لنگ می‌شود و حکم به قتل‌عام آن‌ها و تبدیل کنیسه به مسجد می‌دهد. عده تلفات یهود به قدری زیاد بود که یهودیه به خرابه و ماتمکده مبدل گشت، که برای آگاهی از فراوانی شمار یهودیان اصفهان باید به چهار گورستان بزرگ یهود این شهر توجه کرد (حافظ ابونعیم، ۱۳۷۷: ۱۶۴). همچنین گفته شده است برخی اماکن مقدس یهودیان شهر اصفهان، از آن تاریخ به حکم تیمور، تغییر وضع یافتند. اگر بخشی از خرابی وارد بر ناحیه «لنجان» و پیربکران یا «صفه سید مشر»، واقع در محل «سارح بت آشر» را در زمان استیلای فرزندان چنگیز بدانیم، قطعاً ویرانی تام و تمام و عدم سکونت یهودیان در آن به عصر تیمور برمی‌گردد. سنگ‌های مزار آن محل تا حمله مغول تاریخ دارد ولی غفلتاً قطع گردیده و مدت چند قرن مرده‌ای را در آنجا به خاک نسپرده‌اند و این خود بزرگ‌ترین سند است که مغول‌ها یهودیان آن ناحیه را قتل‌عام کرده‌اند، بعدها بار دیگر اموات را از اصفهان به آن محل می‌برند (همان: ۱۶۵).

محله یهودیان اصفهان (جوباره)

اختصاص محله معینی جهت سکونت گروهی از اقلیت‌های مذهبی در یک شهر امری است شناخته شده و حتی می‌توان گفت که برای کلیه مناطق جغرافیایی دنیا عمومیت دارد که در منابع جغرافیایی اصطلاح گتو به کار می‌برند، شهرهای اسلامی و ایران نیز تابع چنین قواعد کلی است (هنرفر، ۱۳۴۴: ۲۷۸).

زندگی مجتمع یهودیان ایران در یک نقطه از شهر و به عبارت دیگر در یک محله معین ریشه‌های کهن دارد. زندگی دسته جمعی یهودیان در ممالک اسلامی از زمان عمر بن الخطاب شدت پیدا کرد، زیرا به دستور وی محدودیت‌هایی نسبت به یهودیان به عمل آمد و از آزادی آن‌ها به شدت جلوگیری شد (همان: ۲۸۰). یکی از محدودیت‌های مهم زندگی مجتمع یهودیان در محله مشخص و معینی بوده است (همان: ۲۸۰). البته باید گفت در مورد یهودیان اصفهان چنین امری صادق نیست، زیرا یهودیان اصفهان خود ساکنین قدیمی شهر اصفهان را تشکیل می‌دادند و پیوسته در محله‌ای که از زمان قدیم ایجاد شده بود زندگی می‌کردند، به طوری که قدمت این محله کهنه و قدیمی را باید با قدمت شهر اصفهان فعلی یکسان دانست. محله یهودی‌نشین

جوباره در شمال شرق شهر اصفهان واقع شده است که از شمال به میدان طوقچی و خیابان سروش، از جنوب به خیابان ولی‌عصر، از مغرب به خیابان هاتف و میدان کهنه و از مشرق به خیابان سروش محدود است. جوباره را نباید در طول تاریخ یک محله کاملاً یهودی‌نشین دانست بلکه فقط قدیمی‌ترین قسمت آن که در گذشته به نام یهودیه نامیده می‌شد در جنوب غرب این محله قرار گرفته است. وجود آثار باستانی بسیار مهم در محله جوباره و مساکن بسیار قدیمی آن روشن‌گر این است که محله مزبور در طول تاریخ به‌ویژه در عصر سلاجقه مرکزی برای این شهر داشته است.

اولین مساکن انسان‌ها در کنار آب‌ها بوده، احتمال دارد که از محل فعلی جوباره نه‌ری می‌گذشته و مساکن اولیه نیز در اطراف آن استقرار یافته است و بدان جهت این محل را به نام جویباره گفته‌اند ولی متأسفانه تحقیقات وجود جویباره‌ای را ثابت نمی‌کند و هیچ‌گونه شواهد جغرافیایی و به‌خصوص توپوگرافی که دال بر وجود نه‌ری در محل باشد نیست و اگر جوی آبی نیز در منطقه وجود داشته، به‌مرور زمان متروک شده و آثاری از آن باقی نمانده است.

ابن‌حوقل در کتاب صورالارض درباره جوباره چنین می‌نویسد: «اصفهان دو بخش است، یکی موسوم به یهودیه و دیگری موسوم به شهرستان و میان آن‌ها دو مایل فاصله است... و یهودیه بزرگ‌تر از شهرستان و در حدود دو برابر آن است و بناهای آن از گل است. هر دو بخش فراخ نعمت‌تر و پهناورتر از همه شهرهای جبال و نیز از حیث مال و سکنه و بازرگانی و رفت‌وآمد مسافران و نعمت و برکت و میوه و محصول برترند» (ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۶).

میرزا حسین‌خان تحویلدار اصفهانی می‌نویسد: «... و اصل جوباره اول شهر بوده و هست، نه محله بزرگ داشته است. بعد که شهر اصفهان بزرگ شده تمام جوباره یک محله آن حساب می‌شد. حال که جوباره خراب شده همین دو محله مزبور یعنی جوباره و دردشت از آن باقی است» (میرزا حسن‌خان جابری، ۱۳۴۲: ۳۲).

محله دردشت در غرب جوباره قرار دارد و بنا به روایتی، قدیمی‌تر از محله جوباره است (هنرفر، ۱۳۴۴: ۹۵). این محله را «بابل‌دشت» نیز گویند. ریش‌سفیدان کلیمی این شهر اظهار می‌دارند که از زمان‌های قدیم موقعی که قوم یهود از بابل به اصفهان رسیدند این‌جا را برای زندگی خویش مناسب یافتند. چون محل فعلی دردشت، دشتی بیش نبود، لذا اسم بابل‌دشت بدان نهادند تا به این وسیله اسم وطن قبلی خویش را حفظ کرده باشند و از طرف دیگر شباهت خاص این دو منطقه از نظر آب و خاک و هوا موجب شد که چنین اسمی به دشت مزبور بدهند. به‌عقیده دکتر شفقی اسم مزبور روایت و حکایتی بیش نیست زیرا در زمان‌های قدیم محله دردشت را «دری» می‌گفتند که شامل قسمتی از محلات اطراف دردشت فعلی نیز بوده است. در کتب تاریخ بارها از مقبره صاحب‌بن عباد در محله دری سخن به میان آمده است که امروزه آن محله را طوقچی می‌گویند و در حقیقت طوقچی قسمتی از محله قدیمی دری یا دریه می‌باشد و چون نزدیک صحرا و دشت بوده است، لذا دری‌دشت نیز گفته‌اند که امروزه به دردشت (باب‌الدشت) معروف گردیده است (همان: ۱۱۷).

نتیجه‌گیری

شهر اصفهان با وجود اهمیت و قدمت تاریخی به لحاظ مطالعات باستان‌شناسی دچار نقصان است و لذا متون تاریخی برای انجام تحقیق و تفحص در این زمینه اهمیت خاص می‌یابند؛ در همین راستا با توجه به وجود لکه‌ها و عناصری از بافت‌های تاریخی مانند معابر و گذرها در شهر، بررسی و پیمایش آنها نیز می‌تواند گره‌گشا باشد. در این پژوهش که در مبتنی بر مطالعه متون و تطبیق بافت‌های تاریخی به انجام رسیده بر اساس پرسشهای مطروحه، نتایج زیر بدست آمده است: در پاسخ به پرسش چگونگی تاثیر محله جوباره در شکل‌گیری و رشد و گسترش محلات شهر اصفهان در قرون اولیه اسلامی؛ باید اذعان داشت محله در تاریخ اجتماعی و زندگی شهری ایرانیان توأم با ویژگی‌ها و نشانه‌هایی مانند: روابط و پیوندهای میان خانوادگی، معاشرت‌های نزدیک، برخورداری از تعلقات مشترک در میان ساکنان یک مکان است. بنابراین محله‌ها در شهرهای گوناگون از نظر ساخت کالبدی، فضاهای عمومی، سیمای خانه‌ها، ساختار اجتماعی و روابط جمعی ممکن بود تفاوت‌های بارزی از یکدیگر داشته باشند و اعتبار هر محله بسته به ساکنان آن فزونی می‌یافت. در بررسی وحدت و تنوع در محله‌های شهرهای ایران عوامل موثر بر شناخت تاریخی از محله نیز بایستی مورد توجه قرار گیرند؛ عواملی از قبیل شناخت جغرافیایی از محله، پیشینه‌شناسی محله‌ها، بررسی هویت اجتماعی، پیشینه تاریخی در پیوند با تاریخ، بررسی ترکیب قومی و تحولات جمعیتی محله‌ها در پیوند با مسایل کنونی شهرها، مهاجرت به محله‌ها و عملکرد اجتماعی آنها از عوامل اثرگذار در هویت محله به‌شمار می‌آیند. نکته مهم درباره محله در شهرهای ایرانی تداوم تاریخی این بخش از شهرها به‌ویژه در دوره اسلامی تا دوره معاصر است که متعاقب آن برج و باروی شهرها تخریب شد تا پیش از این هسته مرکزی شهرها در قالب شارستان با تاکید بر محوریت محله همچنان بدون تغییر بر جای ماند. از آنجا که محله از مهم‌ترین عناصر هویت‌بخش در شهرهاست و این عنصر در کالبد معماری شهرسازی شهر ویژگی‌ها و مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شهرنشینان را تداوم بخشیده است.

بررسی متون تاریخی بیانگر این واقعیت است که هسته و محور رشد و گسترش شهر اصفهان محله جوباره (یهودیه) بوده است؛ با این وجود نباید تصور کرد که کلیه ساکنین آن یهودی بوده‌اند بلکه سایر اقلیت‌های مذهبی به‌ویژه زرتشتیان، مسلمانان و پیروان سایر ادیان نیز در آنجا می‌زیسته‌اند. قدیمی‌ترین محله‌ای که از یهودیه آن عصر باقی‌مانده به نام جوباره معروف است که یکی از بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین محلات شهر اصفهان را تشکیل می‌داده است. با وجود فرازونشیب‌های فراوان در طول تاریخ، این محله تا اوایل قرن ۱۱ ه. ق. یعنی زمان انتخاب این شهر به پایتختی از جانب شاه‌عباس اول به همان وضع باقی مانده بود.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش: چگونگی تاثیر یهودیان در شکل‌گیری محله جوباره اصفهان؛ با علیرغم اختصاص محله معینی جهت سکونت گروهی از اقلیت‌های مذهبی در یک شهر که امری است شناخته‌شده و می‌توان گفت که برای کلیه مناطق دنیا عمومیت دارد در مورد یهودیان اصفهان چنین امری صادق نیست، زیرا یهودیان اصفهان خود ساکنین قدیمی و تشکیل‌دهنده این بخش از شهر بودند به‌طوری که قدمت این محله قدیمی (جوباره) را باید با قدمت شهر اصفهان یکسان دانست. قدیمی‌ترین قسمت محله جوباره در گذشته به نام یهودیه نامیده می‌شد که در جنوب غربی این محله قرار گرفته است.

یکی از مهم‌ترین مراکز اصفهان در پذیرش اعراب مهاجر، محله جوباره (یهودیه) بود، با سکونت اعراب در این محله و رونق روز افزون آن جوباره به شکل یک محله با اهمیت در آمد و با گذشت زمان از محله جی آبادتر و بزرگ‌تر شد بدین ترتیب، تخته‌گاه اصفهان از جی به یهودیه (جوباره) انتقال یافت و به عنوان یک نقطه محوری رشد و گسترش شهر اصفهان تا دوره صفوی پیرامون آن رقم خورد.

کتاب‌نامه

۱. ابن اثیر علی‌بن محمد، ۱۳۶۵، اخبار ایران از الکامل ابن اثیر، ترجمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران.
۲. ابن حوقل، ۱۳۶۶، صوره الارض، جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۳. ابن خردادبه، ۱۳۷۱، مسالك و ممالك، ترجمه سعید خاکرند، میراث ملل.
۴. اصفهانی، حافظ ابونعیم، ۱۳۹۳، ذکر اخبار اصفهان، نورالله کسائی، تهران، سروش.
۵. تاورنیه، ژان باتیست، ۱۳۶۹، سفرنامه، ابوتراب نوری، چاپ دوم، تهران.
۶. جابری انصاری، حاج میرزا حسن‌خان، ۱۳۷۸، تاریخ اصفهان و ری و همه جهان، اصفهان.
۷. جاوری، محسن، ۱۳۸۳، معرفی محوطه باستانی گورتان، نامه پژوهشگاه، شماره ۶.
۸. جاوری، محسن، ۱۳۸۷، یافته‌های تازه در میدان عتیق اصفهان، گلستان هنر، زمستان، شماره ۱۴.
۹. جاوری، محسن و حسن کریمیان، ۱۳۸۵، گاهنگاری بافت تاریخی شهر اصفهان به استناد کاوش‌های باستان‌شناسی میدان عتیق، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، زمستان، شماره ۱۸۰.
۱۰. جناب، میرسید علی، ۱۳۷۱، الاصفهان، به کوشش عباس نصر، اصفهان، نشر گلها.
۱۱. دلاواله، پیترو، ۱۳۷۰، سفرنامه، شعاع‌الدین شفا، چاپ دوم.
۱۲. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، ۱۳۵۲، آثار ملی اصفهان، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.
۱۳. شاردن، ژان، ۱۳۷۲، سفرنامه قسمت اصفهان، ترجمه حسن عریضی، چاپ اول، انتشارات کتابفروشی ابن سینا.
۱۴. شجاعی، علی، ۱۳۹۳، مکان‌یابی شهرهای جی و یهودیه در رستاق جی اصفهان، پژوهش‌های ایران‌شناسی، بهار و تابستان، شماره ۱.
۱۵. شفقی، سیروس، ۱۳۸۱، جغرافیای تاریخی اصفهان، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
۱۶. شفقی، سیروس، ۱۳۷۴، جاذبه‌های فراموش‌شده و توریستی اصفهان، ویژه‌نامه سمینار اصفهان و جاذبه‌های ایرانگردی و جهانگردی اصفهان.
۱۷. عالمی، مهوش، ۱۳۷۷، باغ‌های شاهی عهد صفوی و روابط آن‌ها با شهر، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۴۲ و ۴۳.
۱۸. فرهادی، آناهیتا، ۱۳۹۵، بررسی وجه تسمیه اصفهان، مجله روایت تاریخ، تابستان، شماره ۱.
۱۹. قاسمی، مریم، ۱۳۸۵، هسته‌ی اولیه روند شکل‌گیری شهر اصفهان در طول تاریخ، دانش‌نما، شماره ۱۲۵-۱۲۴.
۲۰. گذار، آندره، ۱۳۷۵، آثار ایران، ابوالحسن سروقد مقدم، جلد ۴، انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۱. گیرشمن، رومن، ۱۳۹۵، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، انتشارات نگاه.
۲۲. لوی، حبیب، ۱۳۳۹، تاریخ یهود ایران، سه جلد، تهران.
۲۳. مافروخی اصفهانی، ۱۳۸۵، رساله محاسن اصفهان، حسین‌بن محمدبن ابی‌الرضا آوی، تهران.
۲۴. مستوفی، حمدالله، ۱۳۸۱، نزهةالقلوب، به کوشش محمود دبیر سیاقی، تهران.
۲۵. مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد، ۱۳۶۱، احسن‌التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه دکتر علینقی منزوی، شرکت مولفان و مترجمان ایران.
۲۶. مهربار، محمد، ۱۳۳۰، اصفهان در عهد باستان، اصفهان، سالنامه دبیرستان ادب.
۲۷. ناصر خسرو، ابومعین حمیدالدین قبادیانی مروزی، سفرنامه، وحید دامغانی، موسسه مطبوعاتی فراهان، تهران.
۲۸. نوری فشارکی، جاوری، مرتضایی، شهباز، محسن، محمد، ۱۴۰۰، جایگاه محله جوباره در تحولات تاریخی و تاثیر آن بر بافت شهر اصفهان، مجله مطالعات باستان‌شناسی، مهر ۱۴۰۰.
۲۹. هنرفر، لطف‌الله، ۱۳۴۴، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، انتشارات ثقفی، اصفهان.
۳۰. هنرفر، لطف‌الله، ۱۳۷۶، تصویری از اصفهان پیش از اسلام، میراث جاویدان، شماره ۱۹ و ۲۰.
۳۱. یاقوت حموی، یاقوت‌ابن عبدالله، ۱۹۶۵، معجم‌البلدان، بیروت، داراحیاء، جلد ۵ و ۶.